

نقد و نظر دانشمندان مسلمان درباره موازنه ده فرمان تورات و قرآن کریم

بهر روز افشار^۱

حسن قلی پور^۲

چکیده:

این مقاله در صدد بررسی دیدگاه‌های انتقادی برخی از دانشمندان مسلمان و مفسران کتاب مقدس و قرآن کریم چون حکیم ترمذی، ابواسحاق الثعالبی، جلال الدین السیوطی، حکیم فخر رازی و... درباره‌ی تبیین یکی از مهمترین اصول کتاب مقدس و از ارکان پذیرفته شده در جوامع، فرهنگ‌ها و سنت‌های یهودی و مسیحی و موازنه آن با قرآن کریم است. این اصل همان "Decalogue" یا "ده فرمان" به معنای "ده گفتار است.

از آموزه‌های کتاب مقدس بر می‌آید که ده فرمان به دو گروه پنجگانه تقسیم می‌شود. گروه اول، عمدتاً تنظیم‌کننده رابطه انسان با خداست؛ از جمله: "من هستم خداوند، خدای تو؛ تو را خدایان دیگر جز من نباشد؛ نام خدا را به باطل نبر." گروه دوم از ده فرمان مربوط است به تنظیم روابط اجتماعی میان انسانها چون "قتل نکن؛ زنا نکن." در این مقاله به چستی ده فرمان، اهمیت آن و بررسی دیدگاه‌های موافق و مخالف بانظریه برابری ده فرمان تورات با قرآن کریم مورد بررسی و دقت قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

ده فرمان، کتاب مقدس، قرآن کریم، دانشمندان مسلمان، موازنه

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

طرح مسأله:

از ظهور اسلام، بخشی از گفتمان علمی اسلام مطالعه و شناخت دو دستور از آیات در قرآن کریم بوده است که از سوی دانشمندانی چون مقاتل بن سلیمان انجام شده است: اول، آیات ۳ - ۱۵۱ سوره انعام و آیات ۳۹ - ۲۲ سوره اسراء که معادل ده فرمان تورات یا منعکس کننده آنها شناخته شده است. البته این تحقیق توسط دانشمندان غربی در قرن نوزدهم همچون اسپرنجر (sprenger)، هر سفلد (Hirschfeld)، اسپیر (speyer) و برینر (Brinner) و خوری (khoury) و لوینستین (Lewinstein) انجام شده است. (Morris, pp. 74-5, 1978) همینطور تفاسیر اسلامی قرون وسطی درباره محتوای متن الواح که به حضرت موسی نازل شده است، کم است. این بی تفاوتی بنظر ما آید که ریشه در اعتقاد اسلامی داشته باشد که در دین اسلام خداوند همه آنچه را که مسلمانان باید بدانند، مشخص نمود و قرآن تکرار کامل قانونی است که در تورات بیان شده و از این رو نیاز نبود که دانشمندان مسلمان درباره متن الواح که ارتباط زیادی با شریعت اسلام نداشته، تحقیق کنند. با این حال دانشمندانی چون طبری، حکیم فخر رازی، ابن کثیر، ابن ندیم و دیگران از معدود مفسرانی هستند که بنا بر اهمیت ده فرمان به نقد و نظر در باره آن پرداخته اند.

بعد از قرون وسطی نیز دانشمندان زیادی به موضوع ده فرمان کتاب مقدس پرداختند. از جمله آنها فقیه و متکلم حنبلی، ابن تیمیه متوفی (۷۲۸/۱۳۲۸) است. او می گوید: "مهمترین فرمان خداوند که در عین حال اولین فرمان از احکام دهگانه تورات (الکلمات العشر) است، ایمان و تصدیق به وحدانیت و بی همتایی اوست، همچنین اسم دیگر آن، الوصایا العشر است که حاوی سوره الانعام و معادل آن در قرآن کریم است." (ابن تیمیه، ۱۹۹۷ جلد ۱ ص ۲۹۶) بعلاوه می توان گفت که ابن تیمیه اولین دانشمند مسلمان است که نامه‌های متفاوتی را برای ده فرمان کتاب مقدس از جمله الکلمات العشر و نیز الوصایا العشر بکار برد. (همان) دانشمند دیگر، شهاب الدین قلقشندی (متوفی ۸۲۱/۱۴۱۸) است. او که فقیه و وزیر در حکومت ممالیک بوده، می نویسد: «الکلمات العشر یا ده فرمانی که به موسی نازل شد در حقیقت خلاصه تورات است و مثل قرآن شامل اوامر و دستورات عملی ها و به

قول قرآن کریم تبیان کل شیء و مبین همه مسائل است." (قلقشندی، ۱۹۸۱ ج ۲ ص ۴۶۵) نکته قابل توجه این است که قلقشندی همچون دیگر عالمان مسلمان قرون وسطی به صراحت، ده فرمان کتاب مقدس را کاملاً با آیات قرآنی قابل تطبیق نمی داند.

محدث بسیار معروف دیگر خطیب تبریزی (متوفی ۴۰-۱۳۳۹/۷۴۰) است که هر چند غیر مستقیم به احکام دهگانه موسی می پردازد ولی اهمیت قابل توجهی برای آن قائل است. ایشان در ضمن حدیثی به موضوع ده فرمان اشاره کرده و می گوید: "گفته شده که یکی یهودی از پیامبر درباره آیات نه گانه حضرت موسی سؤال کرد و پیامبر سؤال را با تفسیر ده فرمان کتاب مقدس از جمله دستور به رعایت و حفظ روز شنبه، پاسخ داده است." (تبریزی، ۱۴۱۱، ج ۱ ص ۵۸)

واژه شناسی و تبیین آن :

ده فرمان از ریشه یونانی deka Logoi، به معنی «ده واژه» یا «ده گفتار» گرفته شده و در عبری موسوم به aseret ha –dvarim به همان معنی است و نیز نام دیگر آن Decalogue یعنی احکام دهگانه موسی است. (Harrell son, 1962, p.569) این واژه اشاره است به آیاتی در سفر خروج و تثئیه: «و او سخنان عهد، یعنی ده کلام را بر لوح ها نوشت» (خروج، ۳۴: ۲۸؛ تثئیه، ۴: ۱۳؛ ۱۰: ۴).

به گفته کتاب مقدس یهودیان، سه ماه پس از خروج بنی اسرائیل از مصر، موسی به فرمان خدا به کوه سینا رفت و در آن جا، دو لوح را دریافت کرد که ده فرمان (ten Commandments) بر آنها نقش بسته بود. این ده فرمان به «انگشت خدا» نوشته شده بود (خروج، ۳۱: ۱۸؛ تثئیه، ۵: ۲۲)؛ اما سایر احکام تورات را موسی نوشت (تثئیه، ۳۱: ۹، ۲۴). تورات به گفته دانشمندان یهودی، مشتمل بر ۶۱۳ حکم است؛ در میان این احکام، ده حکم؛ یعنی ده فرمان، اهمیتی ویژه دارند. این فرمان ها محور شریعت یهودند و تمام احکام شریعت در همین فرمان ها ریشه دارد. قوم اسرائیل با پذیرفتن این فرمان ها با خدا هم پیمان می شود. تعبیر قرآن کریم نیز از «الواح» اشاره است به دو لوح ده فرمان. (سوره اعراف، آیه ۱۴۵) ده فرمان در باب بیستم سفر خروج و در باب پنجم سفر تثئیه، به طور منظم (با

تفاوت‌های بسیار اندک)، و در جای جای تورات، به گونه‌ای پراکنده ذکر شده است. ده فرمان را به شکل‌های مختلفی شماره کرده‌اند؛ شمارشی که در یهودیت، بیشتر پذیرفته شده چنین است: ۱. من هشتم خداوند، خدای تو؛ ۲. تو را خدایان دیگر جز من نباشد؛ ۳. نام خدا را به باطل نبر؛ ۴. روز شبات (شنبه) را گرامی دار؛ ۵. پدر و مادرت را احترام کن؛ ۶. قتل نکن؛ ۷. زنا نکن؛ ۸. دزدی نکن؛ ۹. بر همسایه خود شهادت دروغ نده؛ ۱۰. به ناموس و اموال همسایه خود طمع نورز. در مسیحیت، نظام پذیرفته شده چنان است که دو فرمان نخست را معمولاً یک فرمان می‌شمارند و فرمان دهم را به دو فرمان تقسیم می‌کنند. در این سامانه، فرمان نهم شهوت جسمانی را منع می‌کند و فرمان دهم از طمع به اموال دیگران بازمی‌دارد. عیسی و شاگردان وی ده فرمان را بسیار گرامی داشته‌اند. عیسی در تعالیم خود، ده فرمان را تصدیق می‌کند. وی در پاسخ کسی که پرسیده بود: «ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟»، گفت: «اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاهدار و قتل مکن؛ زنا مکن؛ دزدی مکن؛ شهادت دروغ مده؛ و پدر و مادر خود را حرمت دار، و همسایه خود را مثل خویش دوست دار.» (متی، ۱۹: ۱۶-۱۹) وی در عین حال، با تعمیم و بسط قلمرو و مفاد فرمان‌ها، در حقیقت، باطن آنها را نیز آشکار می‌کند: «شنیده‌اید که به اولین گفته شد: «قتل مکن» و «هر که قتل کند سزاوار حکم شود»؛ لیکن من به شما می‌گویم هر که به برادر خود، بی سبب، خشم گیرد مستوجب حکم باشد» (متی، ۵: ۲۱-۲۲). «شنیده‌اید که به اولین گفته شده است: «زنا مکن»؛ لیکن من به شما می‌گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است» (متی، ۵: ۲۸). با این همه، عیسی همه فرمان‌ها را در محبت خلاصه می‌کند. وی در پاسخ به این پرسش که کدام حکم در شریعت، بزرگ‌تر است، می‌گوید: «این که خداوند، خدای خود را با همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود، محبت نما. این است کلمه اول و اعظم. و دوم مثل آن است؛ یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما. بدین دو حکم، تمام تورات و صحف انبیا متعلق است» (متی، ۲۲: ۳۷-۴۰؛ رک: رومیان، ۱۳: ۹-۱۰). نکته‌ای که یادآوری آن خالی از فایده نیست این است که در تنخ (کتاب مقدس یهودی) فرمان ششم

تا نهم، یک آیه به حساب آمده است (خروج، ۲۰: ۱۳)؛ ولی در نسخه های مسیحی کتاب مقدس که ترجمه آن در دسترس ماست، این فرمان ها هریک، آیه ای جدا شمرده شده اند. (خروج، ۲۰: ۱۳-۱۶)

کتاب مقدس و ده فرمان :

کتاب مقدس از دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تشکیل شده است. عهد قدیم شامل تورات و چند کتاب دیگر است که داستان آغاز جهان و سرگذشت بنی اسرائیل و پیامبران و پادشاهان این قوم را بیان می کند. عهد جدید نیز شامل انجیل و چند کتاب دیگر است که سرگذشت عیسی و اولین مسیحیان را بیان می کند. ساختار کتاب مقدس در جدول زیر آمده است.

کتاب مقدس			
عهد جدید		عهد قدیم	
ملحقات انجیل	انجیل	ملحقات تورات	تورات
اعمال	متی	یوشع	تکوین
رومیان	مرقس	داوران	خروج
...	لوقا	...	احبار
یهودا	یوحنا	ذکریا	اعداد
مکاشفه		ملاکی	تثنیه

چنانکه دیده می شود تورات خود از پنج کتاب تکوین، خروج، احبار، اعداد و تثنیه تشکیل شده است. این پنج کتاب در ابتدای عهد قدیم قرار دارند. انجیل نیز از چهار کتاب تشکیل شده است که زندگی و تعالیم عیسی را به قلم چهار نفر از اولین پیروان عیسی به نامهای متی، مرقس، لوقا، و یوحنا بیان می کند.

کتاب تکوین، اولین کتاب تورات، داستان آفرینش جهان و انسان و سرگذشت اولین پیامبران است. روایت این کتاب از آغاز آفرینش و زندگی اولین پیامبران به روایت قرآن نزدیک است. کتاب تکوین با سرگذشت یعقوب و یوسف و مرگ یوسف پایان می پذیرد.

کتاب خروج داستان موسی و بنی اسرائیل و خروج آنها از مصر به سوی سرزمین موعود را بازگو می‌کند. مهمترین دستورات خدا به موسی که به «ده فرمان» معروف است در این کتاب آمده است:

خدا این گونه سخن گفت:

- ۱- من خداوند، خدای تو هستم، همان خدایی که تو را از اسارت در مصر آزاد کرد.
- ۲- خدایان دیگری غیر از من نداشته باش.
- هیچگونه بتی به شکل آنچه در آسمان یا بر زمین یا در دریاست درست نکن، در برابر آنها خم نشو و آنها را بندگی نکن. چون من خدای غیوری هستم و کسانی را که از من نفرت دارند تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کنم، و بر کسانی که مرا دوست بدارند و از دستوراتم پیروی کنند تا هزار پشت رحمت می‌کنم.
- ۳- نام مرا بیهوده به زبان نیاور. خدا کسی را که نامش را بیهوده به زبان آورد بدون مجازات نمی‌گذارد.
- ۴- روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. در هفته، شش روز کار کن، ولی در روز هفتم که سبت خداوند است هیچ کاری نکن. نه خودت، نه پسرت، نه دخترت، نه غلامت، نه کنیزت، نه مهمانت، نه چارپایانت. چون خداوند آسمان و زمین و دریا و هرچه را که در آنهاست در شش روز آفرید و روز هفتم استراحت کرد. پس او روز سبت را مبارک و مقدس کرد.
- ۵- پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خدا به تو خواهد داد، عمر طولانی داشته باشی.
- ۶- قتل نکن.
- ۷- زنا نکن.
- ۸- دزدی نکن.
- ۹- بر ضد همسایهات شهادت دروغ نده.
- ۱۰ چشم طمع به مال و ناموس و غلام و کنیز و خر و گاو همسایهات نداشته باش.

(خروج ۱: ۲۰ تا ۱۷: ۲۰)

سه کتاب بعدی تورات یعنی اخبار، اعداد و تثبیه نیز به سرگذشت بنی اسرائیل و عبور آنها از بیابان برای رسیدن به سرزمین موعود می‌پردازد. حجم بزرگی از این کتابها به جزئیات احکام دینی اختصاص دارد. در کتاب تثبیه، ده فرمان دوباره تکرار شده است. این کتاب با مرگ موسی خاتمه می‌یابد.

قرآن و ده فرمان :

در قرآن آیاتی نیست که کاملاً بیان‌کننده ده فرمان باشد. اما به نظر می‌رسد در دو مورد قرآن اشاره صریح به ده فرمان موسی در کوه سینا دارد یک بار در مکه در سوره بقره آیات ۴-۸۳ به این موضوع پرداخته شده و در این آیات، واژه «عهد» یا «میثاق» به سخنان عهد یعنی ده فرمان اشاره صریح شده است.

« و اذا اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا و ذی القربی و الیتامی و المساکین و قولوا للناس حسناً و اقیموا الصلاه و اتوا الزکاة ثم توکلتیم الا قليلا منکم و انتم معرضون. » - یاد آورید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که بجز خدای را نپرستید و نیکی کنید، درباره ی پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم سخن گوئید، و نماز به پای دارید، و ذکاء مال خود بدهید، پس شما (طایفه یهود) عهد شکسته و روی گردانیدید. بجز چند نفر و شمائید که از حکم خدا برگشتید (بقره، ۸۳) و در آیه بعدی با ذکر صریح واژه « میثاق » می فرماید:

" و اذا اخذنا میثاقکم لاتسفکون دماءکم ولا تخرجون انفسکم من دیارکم ثم اقررتم و انتم تشهدون" - و به یاد آرید هنگامی که عهد گرفتیم از شما که خون یکدیگر نریزید، و یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید پس بر آن عهد اقرار کرده و گردن نهادید و شما خود بر آن گواه می باشید. (بقره، ۸۴)

بار دیگر در مدینه آیات سوره اعراف اشاره صریح دارد به اینکه خداوند خود را بر موسی در کوه سینا آشکار کرد و الواح سنگی مکتوب، که حاوی نصایح و دستورالعمل همه چیز است، به او اعطاء کرد. ولی محتوای همه متن این الواح مشخص نیست و قرآن به

برخی از آنها در این سوره چنین تصریح می‌کند:

"و اعدنا موسی ثلاثین لیلۃ و اتمانها بعشر فتم میقات ربّه اربعین لیلۃ و قال موسی لأخیه هارون اخلفنی فی قومی و اصلح و لاتتبع سیبل المفسدین." - و با موسی سی شب وعده و قرار نهادیم چون پایان یافت ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه وعده به چهل شب تکمیل شد به برادر خود هارون گفت تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش. (اعراف، ۱۴۲)

و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربّه، قال ربّ ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربّه للجبل جعله دکا و خر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبتّ الیک وانا اول المومنین و چون موسی با هفتاد نفر وعده‌گاه ما آمد و خدا با وی سخن گفت عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید و لیکن در کوه بنگر اگر کوه به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید پس آنگاه که نور تجلی خدا بر کوه تابید، کوه را متلاشی ساخت و موسی بی هوش افتاد عرض کرد خدایا، تو منزله و برتری به درگاه تو توبه کردم و من اول کسی هستم که به تو وتنزه ذات پاک تو ایمان دارم. (اعراف، ۱۴۳)

"قال یا موسی انی اصطفیتک علی الناس برسالتی و بکلامی فخذما آیتک و کن من الشاکرین" خدا فرمود ای موسی من ترا برای اینکه پیغام‌های مرا به خلق برسانی برگزیدم و به هم صحبتی خویش انتخاب کردم پس آنچه که به تو فرستادم کاملاً فرا گیر و شکر و سپاس الهی را بجای آور " (اعراف، ۱۴۴) و کتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظه و تفضیلا لکی شیء فخذها بقوه و امر قومک یاخذوا بأحسنها ساوریکم دارالفاستقین " و در الواح از هر موضوع برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز به موسی نوشتیم و دستور دادیم به قوت فراگیر قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آن را اخذ کنند که پستی مقام و منزلت فاسقان را به زودی به شما نشان خواهیم داد. (اعراف، ۱۴۵)

مفسران مسلمان از جمله طبری و رازی اعتقاد دارند که آیات ۸۴-۸۳ سوره بقره تنها

نمونه هایی است که دلالت بر اوضاع و احوال و یهودیان، ویژگی های آنها و چگونگی برخورد یهود با مسلمانان می کند و بر نقض میثاق الهی از سوی بنی اسرائیل در کوه سینا تاکید می کند. برخورد خصمانه یهود با پیامبر در مدینه در طول حیات پیامبر اکرم (ص) شاهد بر این مدعاست. جزئیات این مطلب در سوره بقره، ۸۴ آمده است.

مفسران مسلمان قرون وسطی عموماً این عقیده را توسعه داده و بر این هستند که ده فرمان تورات در قرآن کریم نیز آمده است ولی کاملاً از جهات گوناگون در لفظ و معنی یکسان نیستند. (William, 1986, p67)

این مفسران آیه ۱۴۵ اعراف را تا حدود زیادی بیانگر تطبیق الواح موسی و روشن زندگی او با روش زندگی پیامبر اسلام، می دانند. (همان)

تجزیه و تحلیل داده ها :

مهمترین فرمان در تورات، انجیل و قرآن:

چنانکه دیده می شود، در رأس احکام تورات، دعوت به توحید و نهی از بت پرستی است. در انجیل نیز توحید اولین اصل است. بنا به انجیل، یک روحانی یهودی از عیسی پرسید کدام فرمان از همه مهمتر است؟ عیسی جواب داد:

اولین فرمان این است: ای بنی اسرائیل بشنوید، خدای ما خدایی واحد است. و باید او را با تمام قلب و جان و فکر و نیروی خود دوست بدارید. این اولین فرمان است.

دومین فرمان این است: همسایه ی خود را مانند خودتان دوست بدارید. هیچ فرمانی از این دو بزرگتر نیست. (مرقس ۱۲:۲۹ تا ۱۲:۳۱) اگرچه سخنان عیسی در مجموعه ای به نام انجیل جمع آوری شده است، اما عیسی بسیاری از مطالب خود را از تورات بازگو می کرد. آیات فوق از انجیل، بازگویی آیات زیر از تورات است:

ای بنی اسرائیل بشنوید: خدای ما خدایی واحد است.

و باید او را با تمام قلب، جان، و توان خود دوست بدارید. (تثنیه ۴:۶ و ۵:۶)

انتقام نگیرید و از مردم کینه نداشته باشید، بلکه همسایه ی خود را مانند خودتان دوست بدارید. من خداوند هستم. (احبار ۱۸:۱۹)

تورات و انجیل در بعضی از فروع متفاوتند، اما اصل توحید در میان این دو مشترک

است. عیسی با اینکه از دینداری یهودیان انتقاد می‌کرد، خود از میان یهودیان برخاسته بود و در توحید پیرو تورات بود:

شیطان عیسی را به قله‌ی کوه بسیار بلندی برد و تمام ممالک جهان و شکوه آنها را به او نشان داد و گفت: اگر زانو بزنی و مرا پرستی، همه‌ی اینها را به تو می‌بخشم.

عیسی گفت: دور شو ای شیطان. کتاب می‌گوید خدا را پرست و تنها او را بندگی کن. (متی ۴:۸ تا ۴:۱۰)

قرآن نیز همچون تورات و انجیل بر اصل توحید بنا شده است. بسیاری از احکام قرآن بازگویی احکام تورات و انجیل است:

به موسی کتاب دادیم و آن را رهنمود بنی اسرائیل کردیم که جز من و کیلی نگیرید. (اسراء، ۲)

با خدا خدایان دیگری قرار نده که نکوهیده و خوار خواهی شد. و پروردگارت امر کرد که جز او را بندگی نکنید و به پدر و مادر احسان کنید. و اگر یکی از آنها یا هردو در نزدت به پیری رسیدند به آنها «أف» نگو و پرخاش نکن. با آنها شایسته سخن بگو. (اسراء، ۲۲ و ۲۳)

و به زنا نزدیک نشوید که راهی بد و زشت است. و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق نکشید. و هر کس مظلوم کشته شود برای ولیش حقی قرار دادیم. پس او در قتل زیاده نرود. او منصور است. (اسراء، ۳۲ و ۳۳)

پرهیز از دزدی و دروغ و زنا و سایر احکام اخلاقی در آیات و سوره‌های دیگر قرآن نیز بیان شده است، اما همواره پرهیز از شرک اولین و مهمترین حکم است:

ای پیامبر، چون زنان مؤمن نزدت آمدند که با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نکنند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در نیکی از تو نافرمانی نکنند، با آنها بیعت کن و از خدا برای آنها آموزش بطلب که خدا آمرزنده و مهربان است. (ممتحنه، ۱۲)

به این ترتیب واضح است که اصل توحید اولین و مهمترین اصل در تعالیم پیامبرانی

همچون موسی، عیسی و محمد است. این اصل از پیامبری به پیامبر دیگر تغییر نمی‌کند، بلکه اولین تلاش پیامبران خدا این است که اگر در میان پیروان پیامبران پیشین خدشه‌ای بر این اصل وارد شده است، آن را تصحیح کنند. مسیحیان حجاز در عصر نزول قرآن، همچون مسیحیان امروز، اولین اصل کتاب خود را نقض می‌کردند و قرآن از آنان انتقاد می‌کرد:

خدا گفت: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی که غیر از خدا من و مادرم را به خدایی بگیری؟ گفت: تو منزهی. من نمی‌توانم چیزی بگویم که سزاوار من نیست. اگر من گفته بودم می‌دانستی. تو آنچه در نفس من است می‌دانی و من آنچه در نفس توست نمی‌دانم. تو دانای غیبی.

چیزی به آنان نگفتم جز آنچه به من فرمان دادی؛ اینکه خدا را بندگی کنید که خداوند من و شماست. مادامی که در میان آنان بودم شاهد آنان بودم و چون روح مرا گرفتی تو مراقب آنان بودی. تو بر هر چیز گواهی. (انعام، ۱۱۶ و ۱۱۷)

مسیحیان به عیسی، خدا می‌گویند، اما به مریم خدا نمی‌گویند. با این حال قرآن می‌گوید که مسیحیان مریم را نیز به خدایی می‌گیرند. بعضی از نویسندگان مسیحی گمان کرده‌اند که قرآن در بیان شخصیت‌های سه‌گانه‌ی تثلیث اشتباه کرده است و مریم را یکی از آنها تصور کرده است. این گمان درست نیست. خدایان مسیحیان از دیدگاه قرآن تنها به عیسی و مریم محدود نمی‌شود و بسیاری از اشخاص دیگر از جمله احبار و راهبان را نیز شامل می‌شود. جمع خدایان مسیحیان بسیار بزرگتر از کسانی است که رسماً خدا نامیده می‌شوند:

غیر از خدا احبارشان و راهبان‌شان و مسیح پسر مریم را به خدایی گرفتند، در حالی که دستور نداشتند غیر از خدای واحد را بندگی کنند. او از آنچه شریک می‌کنند پاک است. (توبه، ۳۱)

قرآن از اهل کتاب می‌خواهد که یکدیگر را به خدایی نگیرند:

گو ای اهل کتاب، بر سر سخنی بیابید که بین ما و شما یکسان است: اینکه غیر خدا

را بندگی نکنیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما غیر از خدا بعضی دیگر را به خدایی نگیرد. اگر پشت کردند بگویند شاهد باشید که ما مسلمانیم. (آل عمران، ۶۴) بر خلاف تصور ما، خدایان مشرکان حجاز در عصر نزول قرآن اشخاص بودند، نه اشیا. این اشخاص، از عیسی و مریم گرفته تا احبار و راهبان، همگی شخصیت‌های دینی بودند. در اینکه منظور از به خدایی گرفتن این افراد چیست، حدسهای مختلفی در تفاسیر قرآن زده شده است. اما اهل کتاب امروزه نیز حاضرند و ما می‌توانیم رفتار آنها را فارغ از حدسیات تاریخی، از نزدیک مشاهده و تحلیل کنیم

بررسی تطبیقی نظریه موازنه ده فرمان تورات و قرآن : الف) نظریه موافقان :

۱- الحکیم الترمذی (متوفی ۳۰۰/۹۱۲)

الحکیم الترمذی، محدث و عارف معروف از طرفداران اعتقاد به برابری دقیق احکام دهگانه کتاب مقدس و قرآن کریم است.

ترمذی همچون طبری به نقل از وهب بن منبه به تفسیر کلمات عشره کتاب مقدس می‌پردازد. ولی بر خلاف طبری، تفسیر وهب را که فرامین کتاب مقدس دقیقاً با آیات قرآن کریم قابل تطبیق هستند، چند بار تکرار می‌کند. (ترمذی، ۱۹۹۲ ج ۴ ص ۲۰)

ترمذی در کتاب " نوادر الاصول فی احادیث الرسول " در مبحث " الکلمات العشر " متذکر می‌شود که ده فرمانی را که خداوند برای موسی بر الواح نوشت در قرآن نیز آمده است و آنها به شرح ذیل است:

۱- " قال المسیح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی و ربکم انه من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة و ماواها النار و ما لکظالمین من انصار " مسیح می‌گوید ای بنی اسرائیل خدایی را که آفریننده من و شماست پرستید که هر کس به او شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران را هیچ کس یاری نخواهد کرد. (مائده، ۷۲)

۲- " و وصینا الانسان بوالديه..... ان اشکر لی و لوالديک الی المصیر " و انسان را سفارش کردیم به پدر و مادرش... که شکرگذار من و پدر و مادرت باش ک بازگشت

بسوی من است. (لقمان، ۱۴)

۳- "و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و أعد له عذاباً عظیماً" هر کس مومنی را به عمد بکشد مجازات او آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود. خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید برای او مهیا سازد. (الاسراء، ۹۳)

۴- "ولا تجعلوا الله عرضة لایمانکم ان تبروا و اتقوا و تصلحوا بین الناس والله سمیع علیم" و زنه نام خدا را هدف سوگند های خود میکند تا آنجا که این غرض از حقوقی را که بر شماست برائت جوئید و خود را پرهیز کار قلم دهید و مصلح میان مردم شوید و خدا دروغ مردم را می شنود و می داند. (الاسراء، ۲۲)

۵- "ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسؤولاً" و هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دلها همه مسئولند. (الاسراء، ۳۶۰)

۲- الثعالبی (متوفی ۱۰۳۵/۴۲۷)

ادیب و مفسر قرآن ابواسحاق الثعالبی دیدگاهی منحصر به فرد دارد. او در اثر معروفش، قصص الانبیاء که در نوع خود جامع ترین قصص می تواند باشد چندین صفحه از این کتاب را به موضوع الواح موسی اختصاص داد. (ثعالبی، ۱۹۲۷، ص ۸۲۵) که به عنوان نمونه نقل می شود: "خداوند جبرئیل "Gabriel" را به بهشت فرستاد تا درختی را قطع کند و از آن، نه لوح درست کند. هر یک از این نه لوح دقیقاً متناسب با قدرت بازوی موسی درست شده است. درختی که از آن، الواح درست شده است از جنس زمرّد سبز بود. همچنین گفته شده است که خداوند قلمی از نور درست کرد که بلندتر از مسافت میان آسمان و زمین بود و در روز جمعه تورات را بر الواح با دست خود برای موسی نوشت. سپس خداوند جبرئیل را به همراهی بسیاری از فرشتگان فرستاد تا الواح را به نزد موسی بیاورند و در کوه سینا الواح را برای او باز کنند." (Hindy, 2000, pp. 313-33)

ثعالبی همچنین فصلی را با عنوان «نسخه العشر الکلمات» اختصاص می دهد که

خداوند در الواح برای پیامبر برگزیده اش، موسی، بخش عمده توررات را نوشت.
(الثعالبی، ص ۱۸۰)

ثعالبی در پایان این فصل با صراحت می نویسد: " اینها، کلمات ده فرمان هستند. خداوند همه آنها را به پیامبر محمد در هیجده آیه از سوره بنی اسرائیل اعطا کرد و با این فرمان آغاز می شود: وَقَضَى رَبُّكَ الْاِتْعَادُوا اِلَّا اَيَّاهُ و با لوالدین احساناً... (الاسراء، ۲۳) تا آنجا که می فرماید: ذَلِكَ لِمَا اَوْحَى الْيَكُ رَبُّكَ مِنْ الْحِكْمَةِ (الاسراء، ۳۹) این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است. " (الثعالبی، ۱۴۱۸، ص ۱۸۱)

علاوه بر این، ثعالبی این کلمات را در سه آیه از سوره انعام خلاصه می کند که با این کلمات آغاز می شود: « قُلْ تَعَالُوا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ الْاِتَّشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا و با لوالدین احساناً و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و اياهم... » و نتیجه می گیرد که خداوند با این فرامین به شما سفارش کرد شاید که تقوای او داشته باشید « ذلکم و صاکم به لعلکم تتقون » (الانعام، ۱۵۳) ثعالبی از این آیات قرآنی دو نکته دیگر را نتیجه می گیرد: نکته اول این است که از نظر او، قرآن کریم تمام احکام دهگانه موسی را در بر دارد البته به صورت کلی چنانکه ده فرمان اینگونه است. دیگر اینکه تمامی احکام دهگانه موسی در هیجده آیه از بنی اسرائیل به محمد نازل شد که دقیقاً در سه آیه سوره الانعام خلاصه شده است. (همان)

ثعالبی در ادامه آیات قرآنی ای را که در بردارنده احکام دهگانه شریعت موسی است به شرح ذیل بیان می کند:

فرمان اول: " وَقَضَى رَبُّكَ الْاِتْعَادُوا اِلَّا اَيَّاهُ " (الاسراء، ۲۳)

فرمان دوم: " و با لوالدین احساناً اَمَا يَبْلَغَنَّ الْكَبِيرُ احَدَهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقْلُ لِمَا اَفَّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه و قل رب ارحمهما كما ربياني صغیراً ربکم اعلم بما فی نفوسکم ان تكونوا صالحین فَاِنَّهٗ كَانَ لِلّٰ و ابین غفوراً " و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستند و درباره پدر و مادر نیکوئی کنید و چنانچه که هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شوند زنهار کلمه ای که رنجیده خاطر

شوند مکوئید و کمترین آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گوئید. و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا، چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی به مهربانی پروردند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما. خدای به آنچه در دل‌های شماست از خود شما داناترست اگر همانا در دل اندیشه صلاح دارید خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند البته خواهد بخشید. (الاسراء، ۲۴)

فرمان سوم: "وَأْتِ ذَاقِرْبِی حَقَّهُ وَ الْمَسْکِیْنَ وَ ابْنَ السَّبِیْلِ وَ لَا تُبْذِرْ تَبْذِیراً انَّ الْمُبْذِرِیْنَ کَانُوا اِخْوَانَ الشَّیْطَانِ وَ کَانَ الشَّیْطَانُ لِرَبِّهِ کَفُوراً وَ اَمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِیسُوراً وَ لَا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً اِلَى عُنُقِکَ وَ لَا تَبْسُطْها کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً انَّ رَبَّکَ یَسِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ وَ یَقْدِرُ اِنَّه کَانَ بَعْباده خَییراً بصیراً"

حقوق خویشانان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز اسراف و رومدار. که مبدران و مسرفان برادر شیطانند و شیطانست که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور بخاطر بدست آوردن رحمت پروردگارت که امید آن داری اعراض کردی پس با گفتار نرم و آسان آنها را از خود دلشاد کن نه هرگز دست خود محکم بسته دار و نه بسیار باز گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که خواهد تنگ روزی گرداند که او به بندگان کاملاً آگاه و بصیر است. (الاسراء، ۲۹)

فرمان چهارم: "وَ لَا تَقْتُلُوا اولادکم خشیهً املاق نحن نرزقهم و ایاکم ان قتلهم کَانَ خَطِئاً کبیراً"

فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما رازق شما و آنها هستیم زیرا این قتل فرزندان، بسیار گناه بزرگی است. (الاسراء، ۳۱)

فرمان پنجم: "وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّنی اِنَّه کَانَ فَاحِشَةً وَ ساء سبیلاً"

و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. (الاسراء، ۳۲)

فرمان ششم: "و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قُتل مظلوماً فقد جعلنا لوليّه سلطانا فلا يُسرف في القتل انه كان منصوراً"

و هرگز نفس محترمی را که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه بحکم حق، مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را به ناحق بریزد ما به او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام انتقام از قتل و خون ریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود. (الاسراء، ۳۳)

فرمان هفتم: "و لا تقربوا مال الیتیم الا بالآتی هی احسن حتی يبلغ أشده و أوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا"

و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری منظور دارید تا آنکه به حد بلوغ و رشد برسد و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته از عهد و پیمان سوال خواهد شد. (الاسراء، ۳۴)

فرمان نهم: "و لاتقف ما لیس لک به علم ان السمع البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنهم مسئولا"

و هرگز بر آنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دلها همه مسئولند. (الاسراء، ۳۵)

فرمان دهم: "و لا تمش فی الارض مرحانک لن تحرق الارض و لن تبلغ الجبال طولاً کلّ ذلك کان سیئه عند ربک مکروها ذلك مما اوحی الیک ربک من الحکمة و لا تجعل مع الله الها آخر فتلقى فی جهنم ملوماً مدحوراً"

هرگز در زمین به کبر و ناز راه مرو که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و به کوه در سر بلندی نخواهی رسید که از این قبیل کارها و اندیشه های بد همه نزد خدا ناپسند خواهد بود این از چیزهایی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است و با خدای یکتا کسی را به خدائی میپرست و گرنه ملامت و مردود به دوزخ خواهی در افتاد. (الاسراء، ۳۶)

همچنین ثعالبی آیات ۱۵۳-۱۵۱ سوره الانعام را با احکام دهگانه موسی (ع) اسلام قابل تطبیق می‌داند و آیات فوق را به شرح ذیل بیان می‌کند.

فرمان اول: "قُلْ تَعَالُوا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا..."

بگو ای پیامبر، بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را به راستی بیان کنم در

مرتبۀ اول این که به خدا به هیچ وجه شرک نیاورید. (الانعام، ۱۵۱)

فرمان دوم: و بالوالدین احسانا...

دربارۀ پدر و مادر احسان کنید. (همان)

فرمان سوم: "وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أُمَّلِقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ..."

و فرزندانتان را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی می‌دهیم. (همان)

فرمان چهارم: "وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ..."

و به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید. (همان)

فرمان پنجم: "وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

تَعْقِلُونَ"

و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید، شما را خدا بدان سفارش

نموده شاید که تعقل کنید (تا از روی عقل و فهم کار بندید و سعادت یابید. (همان)

فرمان ششم: "وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ..."

و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید تا آنکه به حدّ رشد و کمال رسد. (الانعام، ۱۵۲)

فرمان هفتم: "وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بَاقِصًا وَلَا تَمْلِكُوا نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا..."

و برآستی کیل و وزن را تمام بدهید که ما هیچ کس را جز به قدر و توانایی

تکلیف نکرده ایم. (همان)

فرمان هشتم: "وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ..."

و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرائید و هر چند درباره خویشاوندان باشد. (همان)

فرمان نهم: "وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ"

و به عهد خدا وفا کنید (اوامر و نواهی خدا را اطاعت کنید) اینست سفارش خدا به

شما، شاید که متذکر و هوشمند شوید. (همان)

فرمان دهم: "و آن هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السُّبُلَ فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصاکم به لعلکم تتقون"

و این است راه راست. از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه شماست جز از راه خدا متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید که پرهیزکار شوید. (الانعام، ۱۵۳)

بنابراین اگر محتوای آیات مربوطه در سوره های انعام و اسراء قرآن کریم با فقرات مرتبط در عهد عتیق مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد می توان گفت که شباهت زیادی میان ده فرمان کتاب مقدس و فرامین قرآن کریم وجود دارد.

۳- نظریه سیوطی (متوفی ۹۱۱/۱۵۰۵)

او به ده فرمان تورات در کتاب الاتقان فی علوم القرآن سیوطی اشاره صریحی شده است. سیوطی ابتدا به نقل از دانشمند نحوی و قرآن شناس ابو عبید قاسم ابن سلام (متوفی ۲۲۴/۸۳۸) در این مورد می گوید: اگرچه ده فرمان، مربوط به حضرت موسی و تورات است ولی بدون شک و قدر یقین، برتری قرآن را به عنوان آخرین وحی مورد تأکید قرار می دهد و می گوید:

اولین قسمت از تورات، همان ده آیه از سوره انعام بوده که با این عبارت آغاز می شود: بسم الله الرحمن الرحيم، قُلْ تَعَالُوا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ كَمَا حُرِّمَ عَلَيْكُمْ (انعام، ۱۵۱) و آیات بعدی [چنانکه در قبل ذکر شد] (سیوطی، ۱۴۱۱ ج ۱ ص ۱۱۶)

سیوطی همچنین سخن خویش را با نقل نظر بعضی از دانشمندان موافق خود که اعتقاد دارند که آیات سوره انعام شامل همان ده آیه اولی است که خداوند در تورات به موسی نوشت، مورد تأکید قرار می دهد. و آنها عبارتند از:

- ۱- شهادت به یگانگی خداوند
- ۲- ترک زنا
- ۳- نفی شرک
- ۴- ترک دزدی
- ۵- ترک سوگند دروغ
- ۶- ترک شهادت دروغ
- ۷- ترک هتک حرمت والدین
- ۸- ترک آنچه مربوط به دیگران
- ۹- ترک قتل
- ۱۰- تعظیم روز سبت (همان)

۴- ابوالحسن الکیسانی (احتمالاً قرن پنجم)

ابوالحسن الکیسانی، نویسنده معروف قصص الانبیاء، موضوع ده فرمان را با روش متفاوت و کاملاً متمایز شرح می دهد. او در کتابش توصیف می کند که چگونه جبرئیل بر موسی فرود آمد و به او گفت: "بلند شو، بر اسب من سوار شو که تاکنون قبل از تو کسی سوار آن نشد او همچنین به خوانندگان این کتاب متذکر شود که جبرئیل موسی را به مکانی برد که خداوند از قبل با او در آنجا سخن گفت و در هنگام رسیدن به کوه سینا، صدای حرکت قلم را در میان الواح می شنید که خداوند به قلم گفت، بنویس" (الکیسانی، ص ۲۲۰)

سپس کیسانی ده فرمان را که خداوند به موسی اعطاء کرد، نام می برد. و به نقل از ابن عباس (متوفی ۶۸/۶۸۷) صحابه بزرگ پیامبر و شارح برجسته قرآن، معادل قرآنی هر یک از فرامین کتاب مقدس را به شرح ذیل بیان می کند (همان، ص ۲۲۱)

۱- ای موسی، من هستم خدا، خدایی جز من نیست مرا پرست و چیزی را شریک من قرار نده و ... این عباس نظیر آن را در قرآن اینگونه بیان می کند: "ان اشکرلی ولوالدیک و الی المصیر" (المائده، ۱۴)

۲- ای موسی هیچ نفسی را ظالمانه به قتل مرسان جز به حق. معادل، این فرمان در قرآن این آیه است: "و من یقتل مومناً متعداً جزواه جهنم" (المائده، ۹۳)

۳- ای موسی، آنچه را که مال دیگری است به سرقت نگیر. معادل، این فرمان در قرآن این آیه است: "والسارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما" (المائده، ۳۸)

۴- ای موسی، با زن همسایه ات عمل زنا انجام نده. معادل این فرمان در قرآن این آیه است "و من لم یستطع منک طولاً ان ینکح المحصنات المومنات فمن ماملکت ایمانکم من فیتاکم المومنات والله اعلم بایمانکم" و هر که را وسعت و توانایی آن نباشد که زنان پارساو با ایمان و آزاد گیرد پس کنیزان مومنه را که مالک آن شدید به زنی اختیار کنید. خدا آگاه تر است به مراتب ایمان شما. (قرآن کریم، ۴: ۲۵)

۵- ای موسی با دیگران چنان کن که دوست داری دیگران با تو آن کنند. معادل این

فرمان در قرآن آیه ذیل است: "انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم" (الحجرات، ۱۰)
۶- ای موسی، از آنچه نام من بر آن ذکر نشده، مخور. معادل این دستور در قرآن آیه
ذیل است: "و لا تاكلوا مالکم یذکر اسم الله علیه و انه لفسق" (الانعام، ۱۲۱)

۷- ای موسی، وقتی را برای خودت اختصاص ده و در روز سبت (شنبه) مرا پرستش
کن. معادل این دستور ایه ذیل است: "ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت" محققاً
دانستید آن گروه را که در حکم روز شنبه عصیان و زیاده روی کردند. (البقره، ۶۵)
از نظر کیسانی، فرامینی را که موسی از خداوند دریافت کرد کاملاً در قرآن وجود
دارد و مسلمانان مأمور به آن هستند (الکیسانی، ص ۲۲۰)

ب) مخالفان نظریه موازنه ده فرمان تورات با قرآن:

۱- نظریه طبری (۳۱۰/۹۲۳)

طبری مورخ و مفسر شهیر قرآن می گوید: متن الواح موسی احکامی را بیان می کند
که بنی اسرائیل مجاز به انجام آن ها و یا ممنوع از انجام آنها بودند. (طبری ج ۱، ص ۱۸۰)
و این احکام مربوط به حضرت موسی و قومش بوده و ارتباطی با مسلمانان ندارد. با
این وجود او بر خلاف بیشتر مفسران در معرفی جزئیات الواح سکوت کرده و توضیحات
کوتاه درباره محتوای الواح به دست داده و البته از آنها به عنوان احکام دهگانه موسی نام
نمی برد و در این مورد به اولین روایان اسلامی یهودی، وهب بن منبه یهودی مسلمان،
متوفی (۱۱۴/۷۳۲) استناد می کند. (Philip, 2000.pp.11-29)

۲- شهاب الدین قلقشندی (متوفی ۸۲۱/۱۴۱۸)

او فقیه و وزیر در حکومت ممالیک می نویسد: «الکلمات العشر یا ده فرمانی که به
موسی نازل شد در حقیقت خلاصه تورات است و مثل قرآن شامل اوامر و دستورات العمل ها
و به قول قرآن تبیان کل شیء و مبین همه مسائل است.» (قلقشندی، ۱۹۸۱ ج ۲ ص ۴۶۵)
نکته قابل توجه این است که قلقشندی همچون دیگر عالمان مسلمان قرون وسطی به
صراحت ده فرمان کتاب مقدس را با آیات قرآنی قابل تطبیق نمی داند. (همان)

ج) سکوت کنندگان نظریه موازنه ده فرمان تورات با قرآن:

۱- نظر فخر رازی (متوفی ۶۰۶/۱۲۰۹)

حکیم و مفسر مسلمان، فخرالدین رازی نیز از اظهار نظر در باره برابری الواح تورات با قرآن خودداری کرده و فقط می گوید: "الواح شامل همه چیزهایی است که موسی و قومش بدان نیاز داشتند از محرمات و منہیات، واجبات، مستحبات و بیان فضائل و رذائل." (کل ما یحتاج الیه موسی و قومه فی دینهم من الحلال والحرام و المحاسن (رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۴، ص ۱۹۳)

۲- ابن کثیر (۷۷۴/۱۳۷۳)

عمادالدین ابن کثیر مورخ، فقیه و محدث برجسته شافعی مذهب سوری معتقد است که قبل از آنکه موسی، تورات را دریافت کند این الواح به او داده شده بود. (ابوالفداء، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۲۰)

ابن کثیر مثل مفسران دیگر نقل می کند که واژه «الواح» به صورت جمع در قرآن فقط به دو لوح گفته می شود و این مطلب را با استناد به تورات تأیید می کند که وقتی سخن خداوند با موسی در کوه سیناء به پایان رسیده دو لوح شهادت از سنگ که با دست خدا نوشته شده، به موسی اعطا شد. (خروج، ۱۶: ۳۲-۱۵) و اظهار نظر بیشتری نکرده است.

با توجه به مطالب فوق به نظر می رسد که این مفسر تمایل زیادی به برقراری ارتباط میان ده فرمان موسی و برخی از فقرات آیات قرآن نشان ندارد. (همان)

۳- مقاتل بن سلیمان (متوفی ۱۵۰/۷۶۷)

یکی دیگر از نظریه ها مربوط به مقاتل بن سلیمان، مفسر قرآن و حدیث نبوی است. ایشان نیز در این باره سکوت اختیار نموده و به دلایل مختلف از جمله انتقادی که از داستانهای انجیل در قرآن به عمل آورد مورد نقد دانشمندان قرون وسطی قرار گرفته است. قابل توجه است که مقاتل درباره محتوی الواح فقط به شش فرمان به شرح زیر اشاره می کند:

"خداوند در الواح با دست خود نوشت: ۱- من هستم خدا، خدایی جز من نیست خدایی بخشنده و مهربان ۲- برای من شریک قائل نشو ۳- قتل نکن ۴- زنا نکن ۵- دزدی

نکن ۶- به پدر و مادرت بی احترامی نکن. " (Martin, 1999, vol.2, p.825)

۴- ابن ندیم (متوفی ۳۸۵/۹۹۵)

اونیز سکوت نموده و در کتاب معروفش، الفهرست متذکر می شود که "یکی از دو لوحی که به موسی نازل شده شامل عهد یا میثاق خداوند است و لوح دیگر شامل شهادت است یعنی اقرار به یگانگی خدا و نفی شرک" (ابن‌الندیم، ۱۴۰۱ ص ۲۵) و اظهار نظر بیشتری نکرده است.

نتیجه گیری:

هدف این مقاله بررسی و شناخت احکامی نیست که در کل قرآن اشارات مستقیم و غیر مستقیم به موضوعات حقوقی، اخلاقی و دینی مرتبط با ده فرمان کتاب مقدس شده است بلکه درصدد معرفی آن چیزهایی است که قرآن و دانشمندان مسلمانان در مورد احکام دهگانه موسی در کتاب مقدس در ارتباط با قرآن و مسلمانان مطرح کرده اند. با بررسی انجام شده به چهار نکته کلیدی و اساسی می توان اشاره کرد:

۱- از ظهور اسلام، بخشی از گفتمان علمی اسلام مطالعه و شناخت دو دستور از آیات در قرآن کریم بوده است که از سوی دانشمندانی چون مقاتل بن سلیمان انجام شده است.

اول، آیات ۳- ۱۵۱ سوره انعام و آیات ۳۹- ۲۲ سوره اسراء بعنوان کاتالوگ دستوراتی است که تا حدود زیادی معادل احکام دهگانه موسی در کتاب مقدس یا منعکس کننده آنها شناخته شده است. البته این تحقیق توسط دانشمندان غربی قرن نوزدهم همچون اسپرنجر sprenger، هر سفلد Hirschfeld، اسپیر speyer و برینر Brinner و خوری khoury و لوینستین Lewinstein نیز انجام شده است.

۲- اگر محتوای دستورات کتاب مقدس و قرآن مورد مقایسه قرار گیرد، قابل توجه است که هر دو بیشترین اهمیت را به وجود یک خدای راستین که تنها فرمانروا و حاکم مطلق جهان است، می دهند. اولین دستور، هم در قرآن و هم در کتاب مقدس برای مومنان عبارتست از افزایش و تقویت ایمان و ردّ هر آن چیزی که با ایمان ضدیت دارد. به علاوه

قواعد اخلاقی و قانونی که وجود آنها در زندگی انسان بسیار مهم است در متن هر دو کتاب مقدس بطور یکسان و قوی ترین شکل خود مورد تاکید قرار گرفته است. برخی از مهمترین دستورات این دو کتاب، احترام و نیکی به پدر و مادر، تحریم قتل، زنا، سرقت، سوگند دروغ و طمع به اموال غیر است.

۳- علی رغم اشتراکات مهم، اختلافاتی نیز در دستورات اخلاقی - دینی هر دو متن مقدس وجود دارد. این اختلافات به نوع تأکید و تعبیر برخی دستورات مربوط می شود. علاوه بر این دستوراتی در قرآن است که اصلاً در کتاب مقدس (تورات و انجیل) وجود ندارد و نیز در کتاب مقدس دستوراتی است که در قرآن وجود ندارد. به عنوان مثال، دستور رعایت و حفظ روز شنبه و کار نکردن در این روز به قصد استراحت و فقط پرستش خداوند، در هیچ یک از تعالیم قرآنی نیامده است از طرف دیگر تأکیداتی که تعالیم قرآنی بر ارزشهای انسانی چون حق خویشاوندان را ادا کردن، نکشتن فرزندان از بیم فقر، با روش صحیح معامله کردن و ترک تقلید کورکورانه از دیگرآموزه هائیت که در کتاب مقدس کم رنگ است. البته لازم به یادآوری است که در زمان نزول وحی، این تعالیم اخلاقی در نزد اعراب بادیه نشین که بهره ای اندک از این اصول اخلاقی داشته اهمیت ویژه ای داشت.

۴- حکیم ترمذی، ثعالبی، سیوطی، کیسانی از موافقان نظریه برابری دقیق ده فرمان کتاب مقدس با قرآن هستند اما طبری و القلقشندی از مخالفان نظریه برابری ده فرمان تورات با قرآن و دانشمندانی چون حکیم فخر رازی، ابن کثیر، مقاتل بن سلیمان و ابن ندیم از سکوت کنندگان محسوب شده و از اظهار نظر در باره برابری الواح تورات با قرآن خودداری کرده اند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن الندیم، محمد ابن اسحاق، (۱۴۰۱) الفهرست، بیروت، دارالفکر
- ۳- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی، (۱۳۸۹) تفسیر القرآن الاعظم، ۸ مجلدات، بیروت، دارالفکر
- ۳- الثعالبی، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم النیشابوری (۱۴۱۸) قصص الانبیاء المسمی بعرائس المجالس، قاهره، دارالاحیاء
- ۴- الترمذی، ابو عبدالله محمد ابن علی بن الحسن الحکیم، (۱۹۹۲) نوادر الاصول فی احادیث الرسول، بیروت، دارالجلیل
- ۵- الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، (۱۴۱۰) جامع البیان فی تفسیر القرآن، المجلد الاول، قاهره، الازهر
- ۶- فخر الرازی، محمد بن عمر بن حسن، (۱۴۱۱) التفسیر الکبیر، ج ۱۴، لبنان، بیروت
- ۷- السیوطی، ابو الفضل جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۶)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر
- ۸- الکیسانی، محمد بن عبدالله، (۱۹۹۲) قصص الانبیاء، سوریا، جامعه دمشق
- ۹- الکتب المقدس، جمعیات الکتب المقدس فی المشرق (۲۰۰۵)، بیروت، دارالمشرق
10. Harrelson, W.J, "Ten commandments in the interpreter, s dictionary of the Bible", vol.4, Abingdon prees, NewYork, (1962)
11. Hindy, Najman, "Anglesat Sinai: Egegesis, theology and interpretative authority" Oxford University press, newYork, (2006)
12. Martin, Plessner, "Mukatil ibn Sulayman in Encyclopaedia of Islam", vol.2, Gilliot prees, Germany, (1999)
13. Philip, Alexsander, "Jewish tradition in Early Islam: The case of Enoch/Idris" University press, Oxford, (2000)
14. William, Marmaduke, "The meaning of the Glorious Ooran: An Explanatory Translation", Kenopf prees, Londen, (1930)